
دکتر باقرپور کاشانی
خدای اهل سنت خدایی دارای اعضاء و جوارح

خدای اهل سنت
خدایی دارای اعضاء و جوارح

و روایت‌ها در این زمینه این‌قدر فراوان است، مثلاً روایاتی در «صحیح مسلم» و «صحیح بخاری» مطرح شده که العیاذباللّٰه خداوند متعال می‌خندد! خداوند متعال صورت دارد! خداوند متعال چشم دارد! خداوند متعال دوش دارد! دوش!

یک نمونه ذکر کنم، این روایت‌ها یکی دوتا نیست.

صحیح بخاری، جلد ششم، کتاب‌التفسیر، حدیث ۴۴۰۷، تفسیر سوره حمد؛ همین حدیث در جلد هشتم صحیح بخاری، «کتاب الأدب» هم آورده، باب شصتم، و در صحیح مسلم هم جلد سوم، باب سوم، حدیث ۲۳۰۹ آورده شده؛ چی؟

آورده شده که رسول خدا صلّی‌اللّٰه‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود:

«در روز قیامت بندهٔ مؤمن آن‌چنان به پروردگارش نزدیک می‌گردد که با خدا پهلو به پهلو قرار می‌گیرد!».

یعنی خدا می‌رود پهلوی بندهٔ مؤمن، بندهٔ مؤمن به پهلوی خدا می‌کند!

و چی؟ مشغول صحبت شدن می‌شوند و گفته خداوند از بنده‌اش سوال می‌کند به یاد داری که به فلان گناه مرتکب شدی؟!

همین‌طور دوش به دوش خدا می‌رود!

به یاد داری مرتکب شدی؟

می‌گوید آری آری! بدین ترتیب به تمام گناهانش اعتراف می‌کند!

«خداوند منّان گوید که مطمئن باش همان‌طور که در دنیا گناهان تو را فاش ننمودم، امروز نیز همه آن‌ها را می بخشم».

این قسمت آخرش قشنگ است؛ دوش به دوش خدا!

قائل به دوش شدن نسبت به خداوند مطرح کرد.

یا حتی شاید بگویید چشم خدا، می‌گوید خب در روایات ائمه معصومین علیهم‌السلام هم در زیارت ششم امیرالمؤمنین علیه‌السلام آمده؛ «عِینُ اللهِ ناظِرِه»؛

این چشم خدایی که نظاره می‌کنند، این‌ها اضافه تشریفی‌ست، گاهی وقت‌ها از باب شرافت، خداوند این را به خودش نسبت داده.

مثلاً در زیارت معصومین علیهم‌السلام می‌خونه؛

«السَّلامُ عَلَیْکَ یَا نُورَّاللهِ»؛

شما نور خدایی، خدا که نور ندارد، می‌خواسته از باب شرافت بگوید که این نور موجودی را خلق کرده، این نور را به خودش نسبت داده است.

یا در زیارت ابی‌عبدالله می‌خوانیم؛

«السلام علیک یا قلب‌اللّٰه»؛

سلام بر تو ای قلب خدا؛ اضافهٔ تشریفی‌ست خودشان توضیح دادند، از باب شرافت می‌خوانیم؛ مثل این می‌ماند خداوند متعال می‌گوید «بَیتی»، خدا که جا ندارد که می‌گوید خانهٔ من، می‌خواهد بگوید این خانه خیلی شرافت دارد به خودش نسبت می‌دهد.

یا در قرآن نسبت به اون شتری که به اذن‌اللّٰه، صالح پیامبر از باب معجزه از کوه خارج کرد، می‌گوید «نَاقَةَ اللهِ»، شتر خدا؛ خب همهٔ شترها مال خداست! چرا این شتر را به خودش نسبت داده است؟

می‌خواهد بگوید این شتر، شتر خاصی‌ست، اهمیتش.

یا در زیارت امیرالمؤمنین می‌خوانیم؛

«السلام علیک یا وجه‌اللّٰه»؛

صورت خدا، «عین‌اللّٰه»، یا همچین تعبیراتی آورده.

ولی توضیح هم دادند این مراد به چه صورت است، و وقتی می‌گویند «عین‌اللّٰه» نه این‌که خدا چشم دارد، آن از باب شرافت است، فراوان روایت داریم، اما این‌جا در روایت‌ها این «عین» را آوردند، ولی به چه معنی آوردند؟

گفتند بابا چشم دارد، به معنای همین چشم (چشم سر)؛ چطوری؟ این روایت را بخوانیم.

در جلد نهم صحیح بخاری، حدیث ۶۹۸۳؛

عبداللّٰه می‌گوید:

در حضور رسول خدا صلَّی‌اللّٰه‌علیه‌وآله‌وسلم از دجّال گفتگو شد.

دجال می‌گویند یک کسی هست که آخرالزمان می‌آید و مردم را به گمراهی می‌کشد، روایاتش در کتب عامه زیاد است.

می‌گوید: «این مطلب برای شما روشن باشد که چشم‌های خداوند کور نیست، و با دستش به چشم راستش اشاره نمود و فرمود ولی دجال چشم راستش کور است...، (یعنی همین چشم کوره)، و مانند حبه انگوری از حدقه‌اش بیرون آمده». همین چشم؛ تعبیر به این صورت می‌کند. خب چشم هم نسبت به خداوند متعال مطرح کردند. یا مثلاً در ارتباط با خداوند متعال صحبت شده خداوند پا دارد! خداوند انگشت دارد! نمونه؛ در حدیثی که بخواهم بخوانم در مورد این‌که خداوند متعال پا دارد، بله، حدیث این است که ابوهریره می‌گوید که رسول خدا صلَّی‌اللّٰه‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «دست راست خدا پُر است، (آها این حدیث در مورد اینه که خدا دست داره)، دست راست خدا پُر است، چیزی از آن کم نمی‌گردد، شب و روز؛ سهم کسی را زیاد و سهم دیگری را کم می‌کند، نعمتش سرازیر است و در دست دیگرش میزانی قرار گرفته، سهم کسی را زیاد و سهم دیگری را کم می‌کند (یک دست پر است، یکی کم و زیاد می‌کنه) سپس فرمود: نمی‌بینی از روزی که آسمان و زمین را آفریده انفاق و احسان می‌کند، اما از آن‌چه در دست اوست کم نمی‌گردد؟»

از این سری روایت‌ها فراوان است.

یا در مورد این‌که خداوند انگشت دارد! حدیث در جلد ششم صحیح بخاری، کتاب‌التفسیر، حدیث ۴۵۳۳ و ۴۵۳۴؛ صحیح مسلم همین حدیث را در جلد هشتم آورده، حدیث ۲۷۸۶؛ چی؟ عبدالله می‌گوید که:

«یکی از علمای یهود به حضور رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شرفیاب گردید و عرضه داشت یا محمد! ما در تورات می‌خوانیم که خداوند توانا در روز قیامت هر یک از آسمان‌ها و زمین‌ها و درخت‌ها، آب و خاک و خلاصه تمام موجودات دیگر هر یک را با یک انگشت خود برمی‌دارد، (همه عالم و قیامت رو با یک انگشت برمی‌داره) سپس می‌گوید: منم مالک و سلطان واقعی همه موجودات. عبدالله می‌گوید: وقتی کلام یهودی به این‌جا رسید، رسول خدا صلّی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز عنوان تصدیق و تایید به عنوان تایید و تصدیق گفتار وی تبسم نمود، تا جایی که دندان‌های آن حضرت نمایان گردید».

روز قیامت همه عالم را با یک انگشتش بر می‌دارد!

حالا ممکن است یک نفر بگوید آقا جان مگر در قرآن نگفته «إِلىٰ رَبِّهَا نَاظِرَة» «در قیامت خدا را نظاره می‌کنند».

این آیه چه می‌گوید؟

ببینید من یک نکته‌ای را عرض کنم، ما به صراحت خود قرآن، می‌گوید ما یک آیات محکم داریم، «هُّنَ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ»؛

متشابهات را باید ارجاع بدهیم به محکمات، متشابهات و باید ارجاع بدیم به کسانی که قرآن بر آن‌ها نازل شده علم قرآن را دارند.

لذا قرآن همه آیاتش برای ما بَّیِن نیست، آشکار نیست؛ مثلاً «حا میم»، «عین سین قاف» یعنی چی؟

«حا میم» یعنی چی؟

بدون روایت برای ما معنی کنید، یعنی چه؟!

برای همین قرآن می‌گوید:

«بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَّيِنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ»

بله قرآن بیَّن هست، آشکار است اما برای کی؟

برای کسی که علم قرآن را در وجودش قرار دادیم.

بر کسی که قرآن به تعبیری نبی اکرم و اوصیای ایشان است.

قرآن که همه چی برای ما بَیِن نیست همه آیاتش، بله محکماتش درسته، متشابهات چیست؟

چرا، صرف احتمالات می‌توانیم بدهیم، اما می‌توانیم قسم بخوریم واقعاً مراد خداوند همین است؟

نمی‌توانیم، صرفِ احتمال.

اما نبی اکرم صلَّی‌اللّٰه‌علیه‌وآله‌وسلم این را مطرح می‌کنند.

لذا وقتی قرآن می‌گوید به پیامبر این ذکر را بر تو نازل کردیم، چی؟ «لِتُبَیِّنَ لِّلنَاسِ» که این را تبیین کنی، تشریح کنی برای مردم.

همه چیز را ما از قرآن نمی‌توانیم بفهمیم، آقا بگویید مهم‌ترین فرع دین چیست؟ صلاة؛ کجای قرآن آورده نماز صبح دو رکعت است؟

کجای قرآن آورده نماز مغرب سه رکعت است؟ گفته آقا جان نماز و به پا بدارید، این تبیینش را نبی اکرم، قرآن به صورت کلی، مسائل کلی گویی دارد، اجمال‌گویی دارد، موجبة جزئیه تفصیل هم بیان کرده، اما ریزه‌کاری‌ها را نبی اکرم بیان می‌کنند.

خب پس آیاتی داریم متشابه، نیازمندِ قرآن به فرمایشات نبی اکرم و اهل بیت عصمت و طهارت؛ کسانی که خداوند علم قرآن را در وجودشان قرار داده، محکم و متشابه و ناسخ و منسوخ و همهٔ این‌ها را می‌دانند، هر چیزی که در ارتباط با قرآن است.

لذا نسبت به آقا امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمودند که:

ابن حجر عسقلانی در «الصواعق المحرقه» می‌گوید که:

«عَلِیٌ مَعَ القُرآنْ، و القُرآنُ مَعَ عَلی»

چنین شخصیتی.

خب حالا ما نگاه می‌کنیم، «إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ» این نظاره، این نظر، چه نظری‌ست؟

این‌جاست که ائمه معصومین علیهم‌السلام فرمودند که: در مجامع حدیث «إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ« چی را نظاره می‌کنند؟ فرمودند رحمت خداوند روچا، رحمت خدا را مشاهده می‌کنند و با توجه به آن آیاتی که «لَنْ تَرَانِی» است، آن آیه‌ای که خداوند قابل رؤیت نیست، تمام این‌ها نشان می‌دهد که پس این معنای دیگری دارد.

لذا یکی از آیاتی که استناد می‌کنند، می‌گوید: «إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ»، یعنی خدا گفته می‌بینیش! خدا را که داری می‌بینی، خدا دارای مکانی باید باشد، خدا باید جهتی باشد، خدا باید محدود باشد، تجسد باشد، تجسم باشد، تمام این‌ها نشانه‌های قائم به غیر بودن است، نیاز هست، احتیاج هست، فَقر هست. خداوند متعال جا ندارهچد، خدا مکان ندارد که، خداوند اصلاً سنخ این موجودات نیست که، یک حقیقتی‌ست که به خود هست، یک حقیقتی‌ست که غنی هست، «أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ ۖ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» این خداوند غنی‌ست، بی‌نیاز هست، به خود هست، اما موجودات فقیرند، محتاج به او هستند، نیازمند به او هستند، و بین قائم بالذات و قائم بالغیر، در حقیقتِ بطن و کتم آن که نمی‌تواند سنخیت باشد، مثلیّت باشد، همچین چیزی معنا نمی‌ده که؛ اصلاً حرف، حرف باطلی‌ست؛ تمام این حرف‌ها این‌ها را هر کدام و بخواهیم در نظر بگیریم، حرف، حرف باطلی‌ست. مثلاً یک نمونه این‌قدر مطالبی هست عجیب، العیاذبالله آدم شرم می‌کند این روایت‌هایی که در صحیح مسلم وصحیح بخاری هست که...

این‌طوری اهانت به ذات ربوبیت می‌شود خوانده بشود، از جمله در صحیح بخاری؛ جلد ششم، کتاب‌التفسیر، تفسیر سوره محمد، باب اول حدیث ۴۵۵۲، گفته چی؟

خدا کمر دارد! کجا؟ ابوهریره می‌گوید: رسول خدا فرمود: «خداوند هنگامی که خلق و آفرینش موجودات را پایان بخشید، رَحِم و قرابت برخاست!»

می‌گویند صلهٔ رحم، ارتباط داشتن، آن ملکوت او برخاست و کمر خدا را گرفت!

«خدا فرمود آرام باش! عرض کرد این‌جا جایگاه کسی است که از قطع رحم به پیشگاهت پناه آورده! خداوند در جواب فرمود آیا به این اندازه راضی نمی‌گردی که احسان کنندگان تو را احسان، و قطع کنندگان تو را از رحمتم قطعِ امید کنم؟ عرض کرد بله پروردگارا، راضی شدم.

خداوند فرمود با احسان کنندگان و قطع کنندگان تو این چنین رفتار خواهم کرد، او هم کمر خدا را ول کرد!» این تشبیهات این گونه‌ست که این اهانت به ذات ربوبیت است.


SERATE
HAGH
@aparat.com/be
_sooye_zohoor
v_bagherpour_
kashani
@seratehagh1
besouyezohour
bagherpoor-
kashani.com/
@serat12k
youtube.
com/c/seratehagh
https:
//naakhodaa.ir